

# طراحی الگوی راهبردی پلیس در پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان<sup>1</sup>

اکبر کنعانی<sup>2</sup>، محمدتقی عصار<sup>3</sup>، شهامت حسینیان<sup>4</sup>، محمد بارانی<sup>5</sup>

تاریخ دریافت: 98/11/14  
تاریخ پذیرش: 99/03/28

از صفحه 153 تا 178

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم،  
شماره سوم (پیاپی پنجاه و یکم)، پاییز 1399

## چکیده

زمینه و هدف: داشتن یک الگوی پیشگیری از جرم متناسب با شرایط و وضعیت صغار و نوجوانان می‌تواند به پلیس برای پیشبرد یکی از اهدافش که پیشگیری از وقوع جرائم است، کمک فراوانی کند، هدف این تحقیق طراحی الگوی راهبردی پلیس در پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان است.

روش: این تحقیق از نوع توسعه‌ای و از منظر روش‌شناسی، پژوهش کیفی و از تکنیک داده بنیاد برای دست‌یابی به الگو استفاده شده است. جامعه آماری در این پژوهش، صاحب‌نظران و فعالان حوزه پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان (مدیران کانون اصلاح و تربیت استان تهران) و مدیران ارشد انتظامی (افراد مشرف و مرتبط با مأموریت پیشگیری از جرم) هستند که با 22 نفر از خبرگان از روش نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به هم‌گرایی جواب‌ها مصاحبه شد.

یافته‌ها: در این پژوهش 290 مقوله فرعی و 40 مقوله اصلی (عوامل علی 5 مقوله، پدیده محوری 9 مقوله، عوامل زمینه‌ای 8 مقوله، عوامل مداخله‌گر 9 مقوله، راهبردها 4 مقوله و پیامدها 5 مقوله اصلی) استخراج گردید.

نتایج: پلیس با راهبرد فرایندمحور (چابک‌سازی سازمان، افزایش مهارت‌های ارتباطی، فنی و ادراکی کارکنان، کاهش هزینه‌های موازی و ...) و با راهبردهای وضعی (دادن قدرت تصمیم‌گیری بیشتر به افسران پلیس اجتماعی، مقابله با خرده‌فرهنگ‌های متعارض و شبکه‌های نشر انحرافات جنسی در فضای مجازی، اجرای قوانین پیشگیرانه محدودیت رفت و آمد، پاک‌سازی محلات، اختلال در بازار اموال مسروقه، کنترل فضای مجازی، بازداشت و توقیف، کشف جرم) و با راهبردهای جامعه‌محوری (برنامه‌های آموزش‌محور با بهره‌گیری از ظرفیت مدارس، رسانه، نهادهای مذهبی و ...) و با راهبرد پیشگیری مشارکتی و چندنهادی (راه‌اندازی نظام رصد پیشگیری از جرم با محوریت ناجا، همکاری با نهادهای آموزشی، بهداشتی، اجتماعی، مذهبی، قضایی، برنامه‌ریزان شهری و حوزه فن‌آوری) می‌تواند نقش اساسی در پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان ایفا نماید.

**کلیدواژه‌ها:** اطفال و نوجوانان، پیشگیری از جرم، پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان.

1- این مقاله برگرفته از رساله دکتری با همین عنوان می‌باشد.

2- دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

3- دانشیار گروه مدیریت دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). taghiasar@yahoo.com

4- دانشیار گروه مدیریت دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

5- استادیار گروه حقوق دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.



## مقدمه

بزه‌کاران را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: نخستین طبقه از بزه‌کاران، بزه‌کاران تجاوزگر یا مزمن هستند که سبک زندگی جنایی را در پیش گرفته و ریسک‌پذیری بالایی دارند. طبقه‌بندی دوم، بزه‌کاران معمولی هستند که سبک زندگی قانونی را در پیش گرفته‌اند. این بزه‌کاران، سطح ریسک‌پذیری پایینی دارند و فقط در وضعیت‌هایی مرتکب جرم می‌شوند که امکان کشف جرم در آن پایین است و یا در صورت کشف جرم، امکان توجیه رفتار جنایی متصور است. سومین طبقه، بزه‌کاران تحریک شده هستند که با ورود به وضعیت‌های پیش‌جنایی و یا رویارویی با بزه‌دیدگان مستعد به ارتکاب جرم تحریک می‌شوند (افراسیابی، 1390: 128-100)؛ اما گروهی از جامعه هستند که آن‌ها را نمی‌توان در تقسیم‌بندی‌های بزه‌کاری بالا جای داد؛ این گروه اطفال و نوجوانان هستند که به دلیل تفاوت‌های اساسی در پنج مقوله احساسی، عاطفی، روحی و روانی، جسمی و عقلانی، نخست: جرائم آن‌ها معلول سادگی و بی‌تجربگی آنان در مواجهه با انگیزه‌های مجرمانه است. دوم: به اقتضای شرایط سنی و فطرت پاک اولیه بیشتر آمادگی اصلاح و بازگشت به جامعه را دارند.

در حال حاضر، تقریباً 25 میلیون نفر از جمعیت کشور (معادل 32٪) زیر 18 سال هستند و این بیانگر جمعیت جوان کشور است. از طرفی، تقریباً 5/3 درصد از دستگیرشدگان سال 97 زیر 14 سال و 14/5 درصد از دستگیرشدگان بین 14 تا 18 ساله می‌باشند (سالنامه مرکز فرماندهی و کنترل، 1398). آمار بالا نشان می‌دهد که این جامعه نیازمند توجه خاص در همه زمینه‌ها، از جمله پیشگیری از جرم است؛ زیرا چنین جمعیتی با این فراوانی، چنانچه مورد حمایت و مراقبت قرار نگیرند کج‌روی و ارتکاب اعمال خلاف قانون را دنبال می‌کنند که در آن صورت، نمی‌توان کودکان و نوجوانان را صرفاً معارض قانون یا بزه‌کار خواند، بلکه باید گفت حتی کودکان و نوجوانان بزه‌کار، در واقع، قربانیان جرم هستند. تحقیقات این باور را تأیید می‌کنند که هرچه ارتکاب جرم در سنین پایین‌تری رخ دهد، احتمال ارتکاب جرم‌های جدی‌تر در آینده بیشتر است (لایبر، فارینگتون و پیتچوک،<sup>1</sup> 2005: 25). همین امر لزوم توجه به این گروه سنی را برای

1- Loeber, R., D. Farrington and D. Petechuk

اقدام‌های پیشگیرانه بیشتر می‌کند. جرم‌شناسان علوم‌رفتاری معتقدند هرچه پیشگیری از جرم زودتر و از سنین پایین‌تری شروع شود، اثربخشی بهتری خواهد داشت و در صورت آلوده شدن نوجوانان به بزه‌کاری، چون سن بازنشستگی جنایی آنان دیررس خواهد بود، هزینه‌های مختلف و زیادی به جامعه و نظام تحمیل خواهند کرد (سلیمی، آهی و سیف، 1395: 26). در حال حاضر، پلیس در تمامی ابعاد سازمانی اقدام به پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان می‌نماید، اما آنچه انجام می‌دهد مبتنی بر یک روش علمی، منسجم، هم‌افزا و متناسب با وضعیت اطفال و نوجوانان نیست؛ لذا باید روشی متناسب با شرایط و موقعیت افراد اتخاذ شود. این روش تحت داشتن یک الگوی پیشگیری از جرم متناسب با شرایط و وضعیت کودکان و نوجوانان می‌تواند به پلیس برای پیشبرد یکی از اهدافش که پیشگیری از وقوع جرائم در آینده است، کمک فراوانی کند. همان‌طور که الگو می‌تواند ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها را مشخص نماید و پیش از هرگونه اقدام، یک تصویر نسبتاً جامعی از آن را پیش روی مسئولان قرار دهد. نداشتن الگوی بومی می‌تواند موجب درک ناصحیح فرایندها، کم‌توجهی به متغیرهای کلیدی، انتخاب راهبردهای نامناسب، هدر رفتن منابع، کاهش بهره‌وری و ... شود، لذا مسئله تحقیق این است که پلیس چه الگوی راهبردی را برای پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان می‌تواند اتخاذ کند؟

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با موضوع نشان می‌دهد که پژوهش‌گران پیشین با رویکردها و اهداف گوناگونی به پژوهش در این حوزه پرداخته‌اند که البته هیچ‌کدام الگوی راهبردی پلیس برای پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان ارائه نکرده‌اند. در ادامه، به برخی از این پژوهش‌ها و نتایج آن اشاره می‌شود.

## پیشینه و مبانی نظری پژوهش

### پیشینه پژوهش

کراساکا، دانیل‌لی و تی‌کار<sup>1</sup> (2017)، در مقاله‌ای با عنوان «بزه‌کاری نوجوانان، احساسات جنایی و احساسات خود: بررسی پیشنهاد تئوری برچسب‌گذاری اصلاح

1- Kroska, Daniel Lee & T-Carr



شده»،<sup>1</sup> هدف مقاله را بررسی تأثیر قضاوت بر احساسات و مجرم شدن نوجوان می‌داند، جامعه نمونه این پژوهش، داده‌های خودآزمایی دو نمونه از دانشجویان دانشگاه و یک نمونه جوانان قرار گرفته در یک برنامه مراقبت برای جوانان بزه‌کار می‌باشد. در این پژوهش از مدل‌های رگرسیون درمان درون‌زا برای شناسایی و کاهش اثرات درون‌زایی بین وضعیت جرم و احساسات نوجوان استفاده شده است.

وینجز، دلینسینگ، کیلشن، جانسنس و شولت<sup>2</sup> (2017)، در مقاله پژوهشی با عنوان «شناسایی مجرمان بالقوه بر اساس پرونده‌های پلیس: مبتنی بر توسعه و اعتبار ابزار ارزیابی ریسک پراکید»، هدف از تحقیق را توصیف ارزیابی ریسک پراکید و نحوه بهره‌مندی پلیس هلند از ابزار مذکور برای شناسایی جوانان با خطر بالای ارتکاب جرائم خشونت‌آمیز و یا جرائم علیه اموال بیان می‌کند. نتایج داده‌های پلیس از 31769 نوجوان که در مناطق آلوده هلند در سال 2011 دستگیر شده بودند، نشان می‌دهد گروه‌های پرخطر ظرفیت‌های ویژه‌ای برای جرائم خشونت‌آمیز یا علیه اموال داشتند.

هوپ‌کورمان، دیو، کالیل و ریچمن<sup>3</sup> (2017)، در مقاله پژوهشی با عنوان «تأثیر مشاغل کاری مادران بر دستگیری‌های موادمخدر نوجوانان»،<sup>4</sup> بیان می‌کند تغییر سیاست‌های گسترده باعث حضور مادران در جامعه به‌منظور اشتغال و کسب درآمد برای خانواده شده، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اشتغال مادران و نوع شغل آن‌ها تأثیر معناداری بر گرایش نوجوانان به موادمخدر و ارتکاب جرم آنان دارد.

بارتون و نستور والرو<sup>5</sup> (2016)، در مقاله پژوهشی با عنوان «مشارکت پلیس، مورد مطالعه: پیشگیری از جرم»،<sup>6</sup> با بررسی رویکرد چندگانه و مشارکتی در پیشگیری از جرم، به این بحث می‌پردازد که پلیس با استفاده از فن‌ها و توانمندی‌های خود می‌تواند به‌طور مؤثرتری در کاهش جرم در سطح محلی جرم و افزایش اعتماد عمومی اقدام کند و بیان می‌کند فرماندهان پلیس نیاز دارند تا سطح بالایی از پاسخگویی را از لحاظ

1- Juvenile Delinquency, Criminal Sentiments, and Self-Sentiments: Exploring a Modified Labeling Theory Proposition

2- Wientjes, Delsing, Cillessen, Janssens & Scholte

3- Corman, Dave, Kalil & Reichman

4- Effects of Maternal Work Incentives on Teen Drug Arrests

5- Barton & Nestor Valero

6- Policing in partnership: a case study in crime prevention

بهره‌برداری از منابع و مالی نشان دهند و با همکاری سایر سازمان‌ها یک رویکرد موقعیتی برای پیشگیری از جرم طراحی کنند. این تحقیق نشان می‌دهد که هماهنگی و مشارکت چند سازمان می‌تواند به بهبود در شرایط زندگی برای ساکنان کمک کند که در نتیجه یکپارچگی رویکردهای پیشگیرانه جرم، پلیس قادر به صرفه‌جویی در منابع از لحاظ زمان برای تحقیق در مورد جرم و جنایت خواهد بود.

غلامی، مؤذن‌زادگان و جمشیدی (1397)، در تحقیق خود با عنوان «اقدامات پلیس در پیشگیری از وقوع جرائم کودکان و نوجوانان»، بیان می‌دارند که پلیس می‌تواند با تعامل و همکاری با سازمان‌ها، نهادها، مدارس، خانواده‌ها با هدف جامعه‌پذیری و آموزش و آگاه‌سازی اطفال و نوجوانان، به مقابله با جرم بپردازد.

سلیمی (1395)، در رساله خود با عنوان «الگوی مدیریت پیشگیری اجتماعی نیروی انتظامی از بزه‌کاری نوجوانان»، هدف پژوهش را استخراج یک الگوی مدیریتی در ناجا می‌داند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شاخص‌های محله‌محوری و رسانه ملی و خانواده در بعد کارکردی و شاخص‌های راهبرد، پیچیدگی و رسمیت در بُعد ساختاری حائز بالاترین اولویت بودند.

مطالعات بررسی شده نشان می‌دهد که پژوهش‌های زیادی در رابطه با پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان انجام شده اما هر کدام از مطالعات از زاویه یک مؤلفه و یا شاخص، حوزه پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان را مورد بررسی قرار داده و تاکنون کمتر به صورت اختصاصی و از نگاه مداخله‌گرانه پلیس و ارائه الگوی راهبردی برای آن پرداخته شده است.

### مبانی نظری پژوهش

**اطفال و نوجوانان:** در ماده 1 کنوانسیون حقوق کودک، تمام افراد زیر 18 سال، کودک تلقی شده است، مگر این‌که به موجب قوانین لازم‌الاجرای هر کشور سن پایین‌تری در نظر گرفته شود. این کنوانسیون در سال 1989 به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و در تاریخ 1372 به تصویب مجلس شورای نگهبان رسیده است. (نجفی ابرندآبادی، 1375: 345) و با توجه به الحاق ایران به این کنوانسیون، منظور از اطفال و نوجوانان اشخاص زیر 18 سال می‌باشد.



اسناد سازمان ملل متحد برای بهبود اجرای عدالت در مورد اطفال و نوجوانان: در سطح جهانی، سازمان ملل متحد برای بهبود اجرای عدالت در مورد اطفال و پیشگیری از جرائم اطفال تلاش‌های زیادی را به عمل آورده است. سازمان ملل متحد کوشیده تا چهار سند مهم را مورد پذیرش قرار دهد و این موارد آن‌گونه که خواهیم دید، بر سرنوشت اطفال و نوجوانان بزه‌کار در سطح جهانی دارای تأثیر است؛ اسناد یاد شده عبارت‌اند از:

- حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل برای اجرای عدالت کیفری کودکان معروف به قواعد پکن (1985)
- رهنمودهای سازمان ملل برای پیشگیری از جرائم اطفال معروف به اصول ریاض (1990)
- قواعد حداقل سازمان ملل برای حمایت از اطفال محروم از آزادی (1990)
- کنوانسیون حقوق کودک (1989)

همه اسناد بالا در یک دید کلی تلاش می‌کنند:

نخست، از نقض قانون توسط اطفال و نوجوانان پیشگیری نمایند؛ دوم، نحوه برخورد با اطفال و نوجوانان متهم یا مظنون به نقض قانون را بهبود بخشند؛ سوم، با حمایت از اطفال و نوجوانان محروم از آزادی، مانع از تقویت روحیه پرخاشگری و بزه‌کاری در آنان شوند تا به واسطه آن کودکان اصلاح و به آغوش جامعه و خانواده بازگردند و به‌عنوان افرادی فعال و مثبت در جامعه زندگی جدیدی را آغاز کنند (حجتی، 1380: 13-10).

**راهبردهای پلیس‌های جهان در رابطه با جرائم اطفال و نوجوانان:** پلیس در برخورد با جرائم نوجوانان بیشتر از دو کارکرد حمایتی و اجرای قانون استفاده می‌کند. شرم‌ن یادآوری می‌کند که رفتار بد افسران پلیس، خود می‌تواند عامل به وجود آورنده جرم باشد (شرمن، گات فردسون و مکنزی، بوش‌وی،<sup>1</sup> 1997: 54). فریدمن و همکاران به این

1- Sherman, Gottfredson, MacKenzie & Bushway

این نکته اشاره دارند که رابطه پلیس و نوجوانان یک رابطه دو طرفه است (فریدمن، لوریجیو، گرینلیف و آلبرتسون،<sup>1</sup> 2004: 26). به منظور بهبود رابطه پلیس و نوجوانان و حمایت از کودکان در معرض خطر در کشورهای پیشرفته، پلیس به نوع موقعیتی که در آن قرار دارد از رویکردها و راهبردهای زیر استفاده می‌کند:

الف) راهبرد جامعه پلیسی<sup>2</sup>: پیشنهاددهندگان این راهبرد معتقدند که پلیس باید راهی بیابد که توسط آن با همکاری شهروندان قانون‌مدار علاوه بر افزایش سطح کیفیت زندگی جامعه، به حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر و کاهش جرائم آن کمک کند (تروجانویس و باکیورکس،<sup>3</sup> 1990: 48).

ب) راهبرد جامعه مشارکتی: در این روش، نهادهای مجری قانون با همکاری سازمان‌ها و اشخاص، برای افزایش اعتماد پلیس برای حمایت از جوانان در معرض خطر فعالیت می‌کنند (شرمن، گات فردسون و مکنزی، 1997: 33).

ج) راهبرد حل مسئله: در این روش، مشکلات حقوقی جامعه، به صورت سیستماتیک بررسی و برای هر مشکلی، راه‌حل‌های موجود پیشنهاد می‌شود (یاراحمدی، بیرانوند، بارانی و مقیمی، 1396: 95).

د) برنامه D.A.R.E (آموزش مبارزه با موادمخدر در مدارس): این برنامه با همکاری پلیس و آموزش و پرورش در کشور کانادا برای دانش‌آموزان اجرا می‌شود و به‌طور ویژه شامل برنامه‌های فرهنگی، سخنرانی و جلسات پرسش و پاسخ است. افسران جوان پس از چندین هفته آموزش می‌توانند در این برنامه شرکت کنند. مهم‌ترین هدف این برنامه، آموزش دادن به اطفال است تا بتوانند در مقابل پیشنهاد مصرف موادمخدر نه بگویند (این‌نت، تابلر، رینگ‌والد و فلیولینگ،<sup>4</sup> 1994: 96).

ه) برنامه افسران مدرسه‌مدار: برخی مدیران مدرسه با استخدام افسران پلیس، آن‌ها را به صورت تمام‌وقت یا پاره‌وقت به‌کارگیری می‌کنند. افسران ضابط مدرسه بیشتر برای پیشگیری از جرم، مشاوره، ارائه نکات آموزشی به دانش‌آموزان برای پیشگیری از مصرف

1- Friedman, Lurigio, Greenleaf & Albertson

2- Community Policing

3- Trojanowicz & Bucqueroux

4- Ennett, Tobler, Ringwalt & Flewelling



الکل و موادمخدر، آموزش نکات پلیسی به کارمندان و والدین در مقابل جرائم مختلف در مدرسه حضور دارند. در واقع، مدیران مدرسه با دقت انحرافات و بزه‌کاری‌های اتفاق افتاده در مدرسه را رصد کرده و در صورت افزایش آن‌ها، از پلیس برای کنترل اوضاع استفاده می‌کنند (جانسون،<sup>1</sup> 1999: 36).

و) رویه اجرای قوانین پیشگیرانه محدودیت رفت و آمد: در این روش با اجرای قوانین سخت‌گیرانه، به پیشگیری از وقوع بزه و انحراف کمک می‌شود. هدف از اجرای این قوانین، مصون نگه‌داشتن اطفال و نوجوانان در معرض خطر انحراف و بزه‌کاری است. بر این اساس، نوجوانان زیر 14 سال حق ندارند که بعد از ساعت 10 شب در خیابان‌ها باشند. واکنش پلیس در مقابل این‌گونه تخلفات، برگرداندن نوجوانان به خانه، تماس والدین و نگه‌داشتن آن‌ها در اقامتگاه‌های موقتی است (ویرسما، لافتین و مک دوال،<sup>2</sup> 2000: 36).

ز) طرح محله‌های امن:<sup>3</sup> طرح محله‌های امن از هر ابزار سودمندی اعم از همکاری نهادهای مجری قانون در سطوح محلی، ایالتی و فدرالی بهره می‌برد، بیش‌تر راهبردهای این طرح در برنامه پیشگیری مدرسه‌محور با هدف کاهش دسترسی نوجوانان و جوانان به سلاح ارائه می‌شوند. این طرح از 5 جزء اصلی شامل همکاری، برنامه‌ریزی راهبردی، آموزش، درگیر کردن جامعه و اطلاع‌رسانی عمومی و پاسخگویی، تشکیل شده است (اسمیت،<sup>4</sup> 1393: 973-972). این برنامه به نوجوانان و مجرمانی که به جامعه باز می‌گردند امکان می‌دهد تا از شرکت در رفتارهای تبه‌کارانه خودداری ورزیده و در صورت پدید آمدن خشونت‌های تبه‌کارانه، به شدت با آن‌ها برخورد می‌کند (اسمیت، 1393: 1546).

### روش‌شناسی

این تحقیق از نوع توسعه‌ای<sup>5</sup> است و به دنبال توسعه دانش در یک زمینه خاص است و از منظر روش‌شناسی، پژوهش کیفی و از تکنیک داده‌بنیاد برای دستیابی به الگو استفاده

1- Johnson

2- Wiersema, Loftin & Mcdowall

3- Project Safe Neighborhoods

4- Smith

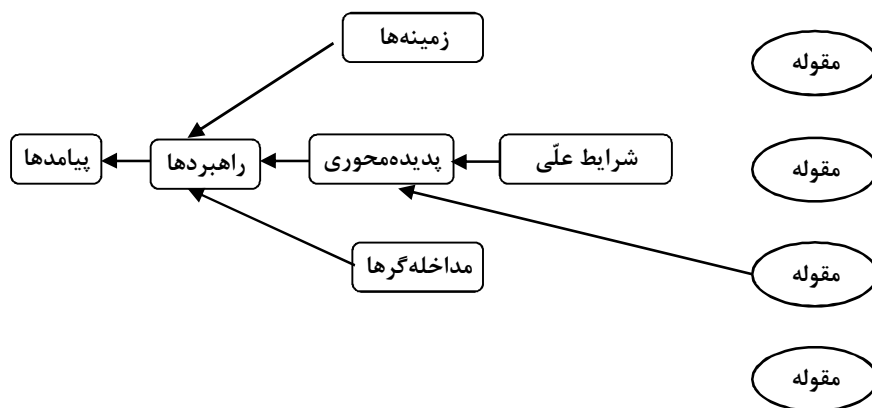
5- Applied Research



شده، پس از تفحص کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز پیرامون موضوع، اقدام به مصاحبه با صاحب‌نظران شده است. جامعه آماری در این پژوهش، صاحب‌نظران و فعالان حوزه پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان (مدیران کانون اصلاح و تربیت استان تهران) و مدیران ارشد انتظامی (افراد مُشرف و مرتبط با مأموریت پیشگیری از جرم) هستند، برای جمع‌آوری داده‌ها با روش نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به هم‌گرایی جواب‌ها، با 22 نفر از خبرگان جامعه علمی و متخصصان درون و برون‌سازمانی مصاحبه شد.

برخی از پژوهش‌گران کیفی بحث درباره اعتبار و روایی داده‌ها و نتایج پژوهش را به‌طور سنتی مربوط به پژوهش‌های کمی می‌دانند (جانسون و کریستنسن،<sup>1</sup> 2008) اما واقعیت این است که در پژوهش‌های کیفی نیز صحت و اعتبار داده‌ها و یافته‌ها بخش بسیار با اهمیتی از فرایند پژوهش است (کرسول،<sup>2</sup> 2012). روش‌های مختلفی برای اعتبارسنجی در نظریه داده‌بنیاد وجود دارد که در پژوهش حاضر از دو روش بازبینی مشارکت‌کنندگان و مرور خبرگان غیرشرکت‌کننده استفاده شده است.

#### مدل مفهومی پژوهش:



شکل 1: طراحی الگو بر اساس کدگذاری نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (کرسول، 2005: 401)

بعد از انجام مصاحبه و فرایند کدگذاری باز و شناسایی و تعیین هماهنگی و هم‌راستایی بین مفاهیم و طبقه‌بندی آن‌ها، در مجموع، 3435 زیرمقوله، 290 مقوله

1- Johnson & Christensen  
2- Creswell



فرعی و 40 مقوله اصلی استخراج شد.

جدول 1: آمار توصیفی مفاهیم و مقوله‌های حاصل از هر مصاحبه

ردیف	کد مصاحبه‌شونده	تعداد زیرمقوله	تعداد مقوله‌های فرعی	تعداد مقوله‌های اصلی	تعداد ابعاد
1	01 عملیاتی	111	98	24	2
2	02 عملیاتی	198	182	30	2
3	01 ستادی	135	113	25	2
4	02 ستادی	108	101	21	2
5	03 عملیاتی	105	93	24	2
6	03 ستادی	119	108	24	2
7	04 ستادی	96	88	22	2
8	05 ستادی	151	139	26	2
9	06 ستادی	209	181	26	2
10	04 عملیاتی	161	148	25	2
11	05 عملیاتی	179	169	29	2
12	06 عملیاتی	166	151	27	2
13	07 عملیاتی	146	124	25	2
14	08 عملیاتی	165	146	23	2
15	09 عملیاتی	194	173	27	2
16	10 عملیاتی	180	163	30	2
17	07 ستادی	138	119	23	2
18	08 ستادی	201	186	31	2
19	09 ستادی	177	153	26	2
20	10 ستادی	167	148	23	2
21	01 قوه قضائیه	153	136	28	2
22	02 قوه قضائیه	176	154	31	2
	موارد استخراج شده	3435	290	40	2

یافته‌های پژوهش

**الف- تحلیل توصیفی ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان:** کلیه مصاحبه‌شوندگان نمونه پژوهش مرد و متأهل بودند. 41 درصد پاسخگویان دارای مدرک کارشناسی ارشد و 59 درصد مدرک دکتری<sup>1</sup> داشتند. بیشترین مشارکت در پژوهش حاضر را صاحب‌نظران با سابقه خدمت 25 سال به بالا (73 درصد) داشتند.

**ب- تحلیل استنباطی:** در تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی همواره تحلیل مقایسه‌ای نکات کلیدی، مفاهیم و مقوله‌ها و فرایند رفت‌وبرگشتی برای اصلاحات احتمالی مدنظر قرار گرفته؛ به‌طوری‌که برچسب مفاهیم و مقوله‌ها و طبقه‌بندی مفاهیم در زیرمجموعه مقوله‌ها مکرر بازنگری و تغییر کرد. مبنای برقراری رابطه بین مقوله‌ها و تقسیم‌بندی آن‌ها ارتباطات منطقی و علمی بوده است. نتایج به‌دست آمده در قالب عوامل‌علی، پدیده‌محوری، عوامل‌زمینه‌ای، عوامل‌مداخله‌گر، راهبردها و نتایج و پیامدها برابر جدول شماره (2) تا (7) ارائه شده است.

جدول 2: عوامل‌علی استخراج شده از مصاحبه‌ها

محور ابعاد	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
روند سازندگی	توانایی‌های سازمان	قابلیت‌های مدیریتی پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان، وجود پلیس‌های تخصصی، داشتن دانشکده‌های تخصصی، باور به مبحث پیشگیری از جرم، حمایت و پشتیبانی سازمان از طرح‌های پیشگیرانه
	بهبود عملکرد حرفه‌ای	توسعه‌دادن استانداردهای پلیسی در حوزه اطفال و نوجوانان، ساختن ارزش‌های اخلاقی
عوامل علی	اصل هزینه و فایده	یتانسیل‌جنایی نهفته و بازنشستگی جنایی دیررس کودکان و نوجوانان، احتمال ارتکاب جرم‌های جدی‌تر در آینده، جمعیت دستگیرشدگان
	نیاز اجتماع	تهدید جامعه، توجه به توسعه پایدار و سلامت جامعه (مصالح اجتماعی)، جمعیت اطفال و نوجوانان (24 درصد جمعیت جامعه)، منطقی بودن اقدامات پیشگیری از جرم اطفال و نوجوانان، هزینه‌های تحمیل‌شونده بر جامعه، جلوگیری از برچسب‌زنی
بازنگری	ویژگی‌های آمادگی فطری کودکان، تفاوت اساسی جرم کودکان با بزرگسالان، شایستگی برای کودکان	برخورداری از سیاست افتراقی، انعطاف‌پذیری بیشتر برای اصلاح

1- دارندگان مدرک داخلی دکتری نیز دارای مدرک دکتری در نظر گرفته شده‌اند.



جدول 3: پدیده محوری استخراج شده از مصاحبه‌ها

مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	محور ابعاد
برنامه‌های آگاه‌سازی شهروندان، برنامه‌های آموزشی مدرسه‌محور، آموزش مهارت زندگی، آموزش مهارت‌های تربیتی، بازدارندگی عام از طریق حضور و گشت‌زنی، ایجاد نهادهای اصلاح کودکان بزه‌کار، آموزش‌های شغلی در مدارس، بازدارندگی عام از طریق مجازات، فراهم‌نمودن فعالیت‌های تفریحی	بخش عمومی	پیشگیری نخستین
اجرای برنامه‌های پیشگیری محیطی، تولید اینترنت ملی، محدودیت دسترسی به اینترنت در اطفال و نوجوانان، رفع نابسامانی‌های اقتصادی، امکانات تحصیلی برابر، برنامه‌های بهداشت عمومی، توسعه خدمات اجتماعی به خانواده‌های آشفته، شناسایی کودکان آسیب‌پذیر، شناسایی خانواده‌های آشفته	بخش دولتی	
اجرای پیشگیری وضعی، آموزش اخلاق از طریق تولید برنامه‌های رسانه‌ای، کاهش عامل‌های وسوسه، خیریه‌های عمومی، تولید نرم‌افزارهای متناسب با اطفال و نوجوانان، فعالیت‌های اجتماعی گسترده	بخش خصوصی	
اقدامات اجتماعی حمایتی از خانواده‌های آشفته، مداخله زود هنگام، برخورد با انحرافات اجتماعی کودکان، جایگزین‌های مدنی برای کودکان بزه‌کار، راه‌اندازی گشت‌های شهروندی، توجه به وضعیت تحصیل کودکان	بخش عمومی	پیشگیری ثانویه
برنامه‌های رفع شرایط نامساعد در محلات، برنامه‌های اصلاحی کودکان بزه‌کار، ارائه خدمات اجتماعی به کودکان پرخطر و در معرض خطر، مداخله در موارد سوءاستفاده‌های خانگی، طراحی مجدد در نقاط جرم‌خیز	بخش دولتی	
تمرکز بر نقاط جرم‌خیز، شرکت در برنامه‌های پلیس مسئله‌محور، پروژه‌های پاک‌سازی محلات (پنجره شکسته)	بخش خصوصی	پیشگیری سومی
تعقیب و بازداشت، مدیریت کودکان مجرم پرکار، مجازات با هدف سلب توان (ناتوان‌سازی)، اصلاح و بازتوانی کودکان بزه‌کار، امور پلیسی در نقاط جرم‌خیز	بخش عمومی	
طراحی نهادی، مداخلات اجتماعی در جامعه‌پذیری کودکان بزه‌کار، برنامه‌های کاهش آسیب	بخش دولتی	
ارائه خدمات پس از بازتوانی، برنامه‌های داوطلبانه، ایجاد تغییر در اماکن ارتکاب جرم، استفاده از سامانه پایش تصویری، تولید برنامه‌های تغییر نگاه به کودکان بزه‌کار	بخش خصوصی	

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی پنجاه و یکم)، پاییز 1399

پدیده محوری

پیشگیری سومی

جدول 4: عوامل زمینه‌ای استخراج شده از مصاحبه‌ها

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	محور ابعاد
ارزش‌های سازمانی	سیاست‌ها، اهداف و فرایندهای سازمان، اولویت‌های سازمانی و راهبردهای ناجا در پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان	درون‌سازمانی
منابع محدود	بهسازی مکان‌های مختص کودکان بزه‌کار، آموزش کارکنان، جذب و نگهداشت کارکنان متخصص، جابه‌جایی‌های مکرر نیرو، موازی‌کاری (هدر رفت منابع).	
قوانین	قوانین مرتبط با اصلاح، بازتوانی (درمان و آموزش) و ناتوان‌سازی کودکان بزه‌کار، عدم تمرکز و توجه به کودکان بزه‌دیده، ضعف در تشکیلات دادرسی و برنامه‌های عدالت ترمیمی، ضعف در تأسیس نهادهای اصلاحی، توجه به منافع گروه‌های ذی‌نفع، ناتوانی در تضعیف عامل‌های جرم	
سیاست‌گذاری	نیود همراهی سیاسی برای اقدامات پیشگیرانه، پدیده شهرنشینی، عدم توجه به حاشیه‌نشینی، سیاست‌گذاری در راستای تأمین منافع گروه‌های ذی‌نفع، وجود اقتصاد طبقاتی، توزیع نابرابر فرصت‌ها، بیکاری و فقر	عوامل زمینه‌ای
خانواده	طلاق و جدایی، سبک زندگی، اعتیاد والدین، خشونت والدین، بزه‌کاری اعضای خانواده، تبعیض بین فرزندان، فقر عاطفی، عدم مراقبت کودکان توسط والدین، اشتغال مادران، تربیت صحیح، فرایند داغ‌دیدگی، نقص در شکل‌گیری هویت، ناهنجاری‌های جسمی، اندازه خانواده	درون‌سازمانی
مدرسه	شرایط حاکم بر تحصیل، روابط با همسالان، فشار همسالان، ضعف در یادگیری فنون سودمند در مدارس، توجه آموزگاران	
رسانه	تقویت تجربه بزه‌کاری (تشدید)، کاهش ترس از بزه‌کاری، الگوبرداری، افزایش همسان‌پنداری کودک با مجرمان، اثرگذاری بر رفتار مأموران در مواجهه با کودکان بزه‌کار، سقوط ارزش‌ها (ایجاد انحراف رفتاری)، ارائه فرهنگ‌های متعارض، ایجاد بستر جرم (اینترنت)	
محل	خرده‌فرهنگ‌های بزه‌کاری، شبکه همسالان، بی‌نظمی‌های اجتماعی، بی‌نظمی‌های فیزیکی، میزان انسجام محل	



جدول 5: عوامل مداخله‌گر استخراج شده از مصاحبه‌ها

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	محور ابعاد
مانایی سیستم (مقاومت در برابر تغییر)	فرهنگ‌کاری، ساختارها، دستورالعمل‌ها، سیستم مدیریت، درک ناصحیح فرایندها	درون‌سازمانی
	برنامه‌ریزی، هدایت، سازماندهی، هماهنگی، کنترل و ارزیابی طرح‌ها، انتخاب راهبردهای نامناسب	
	طراحی محیطی، در اختیار قرار دادن بانک اطلاعاتی به پلیس، ایجاد امکانات تفریحی و امکانات آموزشی، رفع بی‌نظمی‌های فیزیکی در محلات، اقدامات هدفمند پیشگیرانه متناسب با وضعیت کودکان	
نهادهای اجتماعی	توسعه جامعه محلی و مسئولیت‌سازی، مشاوره با خانواده‌ها در زمینه پیشگیری از خشونت و سوءاستفاده، فراهم ساختن شبکه امنیت اجتماعی، مداخلات بهنگام اجتماعی (سوءرفتارهای خانگی، اختلال هویت جنسی)، ممانعت از شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های کج‌رو، توجه به کودکان بزه‌دیده، ساماندهی کودکان خیابانی، شناسایی و حمایت از خانواده‌های آشفته، ایجاد تعهد، ایجاد دلبستگی، پشتیبانی از سازمان‌های مردم نهاد	عوامل مداخله‌گر
	برنامه‌های بهداشت عمومی، توسعه خدمات بهداشتی به افراد آسیب‌پذیر، شناسایی و درمان کودکان پرخطر، بازتوانی والدین معتاد	
	آموزش اخلاق و هنجارها، مددکاری عمومی، برنامه‌های قشر محروم، شرکت در برنامه‌های پلیسی، نهادینه کردن اعتقادات مذهبی	
نهادهای آموزشی	آموزش هنجارها، شناسایی اطفال و نوجوانان مستعد ارتکاب جرم، جامعه‌پذیر نمودن، فراهم نمودن روابط مثبت همسالان، جلوگیری از ترک تحصیل، آموزش فنون خویشتن‌داری، برابرسازی آموزشگاه‌ها، کاهش نفوذ اقتصاد در نهاد آموزش، تعیین جایگاه نهاد آموزش	برون‌سازمانی
	ارتقاء پایش تصویری، تولید بانک اطلاعاتی یکپارچه، تولید سامانه‌های متناسب با سن کودکان، ایجاد اینترنت ملی، فراهم نمودن بستر اینترنت متناسب با کودکان فن‌آوری	
	تصویب قوانین حمایت از کودکان، اصلاح قوانین دادرسی، اصلاح قوانین نگهداری کودکان مجرم، تصویب قوانین بازدارنده، اجرای سیاست‌های افتراقی قانون‌گذار	

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی پنجاه و یکم)، پاییز 1399

جدول 6: راهبردهای استخراج شده از مصاحبه‌ها

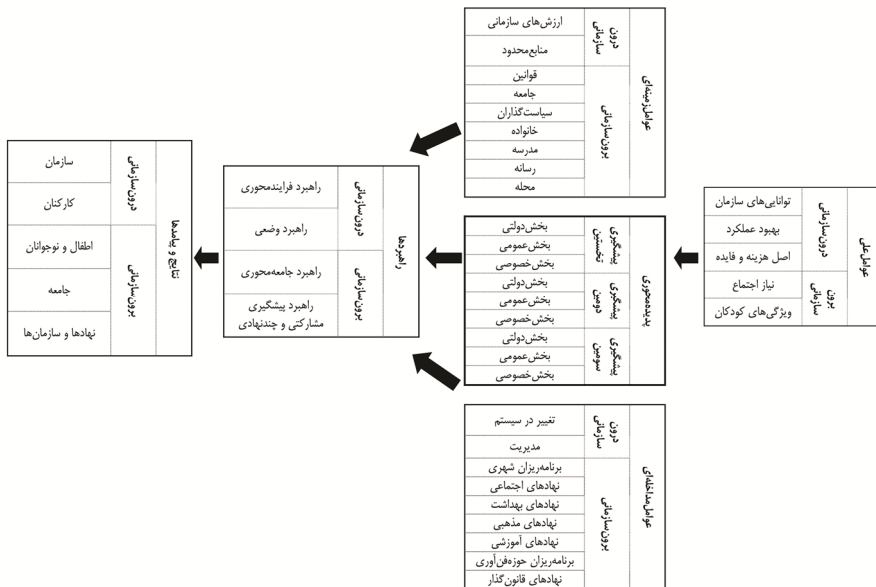
مقوله‌های اصلی	ابعاد	محور
مقوله‌های فرعی		
<p>بروز نمودن فن‌آوری، تغییر فرهنگ سازمانی، چابک‌سازی سازمان، بهره‌گیری از پلیس متخصص جرائم کودکان، به‌کارگیری پلیس زن، راه‌اندازی تیم‌های فوریت‌های پلیسی 110 راهبردهای رسیدگی به جرائم اطفال و کودکان، شناسایی عوامل مؤثر بر جرائم اطفال و نوجوانان، فرایند شناسایی نقاط جرم‌خیز، ارجاع کودکان بزه‌دیده و بزه‌کار به محل‌های امن، مشارکت فعال محوری در تصویب قوانین حمایتی کودکان مجرم، کاهش هزینه‌های موازی، توجه به تفاوت‌های فردی، افزایش مهارت ارتباطی، ادراکی و فنی کارکنان پلیس، حفظ سرمایه فکری درون‌سازمان</p>		درون‌سازمانی
<p>ارتقاء دانش و مهارت کارکنان پلیس، دادن قدرت تصمیم‌گیری بیشتر به افسران پلیس اجتماعی، شناخت نیازهای درون‌سازمان، ظرفیت‌سازی در درون‌سازمان، مقاوم کردن آماج‌های جرم با همکاری نهادهای مربوطه، کنترل تسهیل‌کننده‌های جرم، تقویت نظارت رسمی، کاهش سطح گمنامی (امکان شناسایی اموال) با همکاری نهادهای مربوطه، محدودیت دسترسی به اینترنت با همکاری بخش‌های دولتی و خصوصی، مقابله با خرده‌فرهنگ‌های متعارض و شبکه‌های نشر انحرافات جنسی در فضای مجازی، اجرای قوانین پیشگیرانه محدودیت رفت و آمد، پاک‌سازی محلات، مدیریت کودکان مجرم پرتکرار، مداخله زودهنگام (سوءرفتارهای خانگی، اختلال هویت‌جنسی)، اختلال در بازار اموال مسروقه، کنترل فضای مجازی، بازداشت و توقیف، کشف جرم</p>	راهبردهای وضعی	راهبردها
<p>برنامه‌های آموزش محور، تقویت کنترل‌های غیررسمی، راه‌اندازی پلیس مدرسه‌محور، معرفی اطفال بزه‌دیده و شاهد جرم به نهادهای اجتماعی، استفاده از رسانه، برنامه‌های تناسب‌یافته برای نیاز گروه‌های پرخطر، اجرای طرح‌های مراقبت محله به کمک بسیج، رویکرد کنش‌گرایانه در رسیدگی به جرم، راه‌اندازی گشت‌های شهروندی</p>	راهبردهای جامعه‌محور	ی
<p>توسعه و تشکیل کانون‌ها و نهادهای مدنی، راه‌اندازی نظام رصد پیشگیری از جرم با محوریت ناجا، هماهنگی با مددکاران اجتماعی، تقویت نمادها و ارزش‌های ملی، طراحی محیطی، آموزش و آگاه کردن عمومی، همکاری در اصلاح، درمان و توان‌بخشی بزه‌کاران، برنامه‌های تادیبی، شناسایی و اقدامات حمایتی برای کودکان کار، برپایی اجتماعات و همایش‌های محلی برای خانواده‌ها، اجرای عدالت افتراقی در درون جامعه، ارتقای پیشگیری راهبردهای تفکر جایگزین، همکاری با مؤسسات اصلاح بزه‌کاران، همکاری با نهادهای مشارکتی و آموزشی، اجتماعی و رسانه‌ها در معرفی الگوسازی رفتارهای مناسب، بهره‌گیری از ظرفیت چندنهادی بسیج نوجوانان و راهیان نور، تخصصی شدن دادگاه‌های اطفال، تصویب قوانین مربوط به رفع موانع تحصیلی برای کودکان، تصویب قوانین مربوط به امکان اعمال قدرت در رابطه با خانواده‌های آشفته، ایجاد مراکز تفریحی و آموزشی، تقویت مراکز مشاوره، توسعه خدمات اجتماعی به افراد آسیب‌پذیر، توسعه زیرساخت‌ها متناسب با یافته‌های پلیس، تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد، توانمندسازی کودکان، برگزاری دوره‌های حرفه‌آموزی</p>	راهبردهای اجتماعی	



جدول 7: پیامدهای استخراج شده از مصاحبه‌ها

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
تقویت مراکز مشاوره پلیس، چابک‌شدن و پویایی سازمان، اقدامات پیشگیرانه مؤثر و هدفمند و جلوگیری از موازی‌کاری و هدر رفت هزینه‌ها و کسب حمایت و پشتیبانی سازمان‌های دولتی و خصوصی در اجرای طرح‌های پیشگیرانه	سازمان	درون‌سازمانی	مقوله‌های اصلی
تربیت نیروهای متخصص و افزایش مهارت‌های اداری، فنی و ارتباطی کارکنان پلیس در برخورد با جرائم کودکان	اطفال و نوجوانان	برون‌سازمانی	پیامدها
جامعه‌پذیری کودکان بزه‌دیده و بزه‌کار، افزایش مهارت زندگی، تقویت پیوند با مدرسه و پلیس، کاهش بزه‌دیدگی، مقاوم شدن در برابر جرم و کاهش بزه‌کاری تقویت پیوندها و سرمایه اجتماعی مدنی، ایجاد انسجام اجتماعی و تغییر نگرش عمومی به موضوع پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان	نهادها و سازمان‌ها		

- مدل پارادایمی الگوی راهبردی پلیس در پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان



شکل 2: مدل پارادایمی الگوی راهبردی پلیس در پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان



## بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش، به‌عنوان الگویی راهبردی برای پلیس جهت پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان می‌توان به نکته اشاره کرد:

نخست این که، کدهای استخراج شده در این مطالعه می‌تواند راهنمای مناسبی برای مطالعات عمیق‌تر و تخصصی‌تر در این حوزه به شمار آید.

دوم، این مطالعه یک مدل پارادایمی فراهم کرده که از آن می‌توان به‌عنوان چارچوبی برای پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان که تقریباً 24 درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، استفاده کرد و می‌تواند معیار مناسبی برای شناخت عمیق‌تر و ساخت‌مندتر نمودن اقدام‌های پیشگیرانه از جرم، در این حوزه باشد.

سوم، طیف وسیعی از عوامل زمینه‌ای شامل اهداف و خط‌مشی‌ها، فرایندها، راهبردها، منابع و اولویت‌های پیشگیری از جرم در درون سازمان و عواملی همچون جامعه، قوانین، سیاست‌گذاری‌ها، خانواده، مدرسه، رسانه و محله وجود دارند که باید به آن‌ها توجه خاص داشت. مهم‌ترین آن‌ها در درون سازمان تعیین متولی پیشگیری از جرم در پلیس، بهسازی مکان‌های مختص کودکان بزه‌کار دستگیرشده، جذب و نگهداشت نیروی متخصص و آموزش کارکنان در خصوص چگونگی پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان است و در بیرون سازمان، پیگیری درخصوص اصلاح قوانین مرتبط با کودکان بزه‌کار، توجه به برنامه‌های عدالت ترمیمی، تقویت نهادهای اصلاحی، همراه نمودن سیاسیون برای اقدامات پیشگیرانه، توجه به پدیده شهرنشینی، توزیع برابر فرصت‌ها، اقدامات حمایتی از خانواده‌های آشفته، توجه به حوزه تحصیل، استفاده از رسانه به‌عنوان ابزار الگوساز، ایجاد محدودیت در استفاده از اینترنت می‌باشد.

چهارم، توجه به مداخله‌گرها است؛ مانایی سیستم و مقاومت در برابر تغییر و توجه به مدیریت در درون سازمان و همکاری با برنامه‌ریزان شهری، برنامه‌ریزان حوزه فن‌آوری، نهادهای اجتماعی، بهداشت، مذهبی، آموزشی و قانون‌گذار می‌بایست در دستور کار قرار گیرد که مهم‌ترین آن‌ها در درون سازمان، اصلاح فرهنگ کار، دستورالعمل‌ها، ساختارها و فرایندها است و در بیرون سازمان، پیگیری در خصوص طراحی محیطی، ایجاد امکانات آموزشی و تفریحی، در اختیار قرار دادن بانک‌های اطلاعاتی، مداخلات بهنگام



اجتماعی در مواقع سوءرفتارهای خانگی، ساماندهی کودکان خیابانی و کار، توجه ویژه به کودکان بزه‌دیده، شناسایی و درمان کودکان پرخطر، پشتیبانی از سازمان‌های مردم‌نهاد، نهادینه کردن اعتقادات مذهبی، جلوگیری از ترک تحصیل، کاهش نفوذ اقتصاد در نهاد آموزش، ایجاد اینترنت ملی، تولید سامانه‌های متناسب با سن کودکان و تصویب قوانین حمایت از کودکان است.

پنجم، مؤثرترین الگوی پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان استفاده از الگوی پزشکی (پیشگیری نخستین، دومین و سومین) است که باید با همکاری توأمان بخش‌های عمومی، دولتی و خصوصی پیگیری شود. در پیشگیری نخستین، مهم‌ترین اقدامات شامل برنامه‌های آگاه‌سازی شهروندان، برنامه‌های آموزشی مدرسه‌محور، آموزش مهارت‌های تربیتی و آموزش‌های شغلی در مدارس، اقدام‌های بازدارنده پلیس از طریق حضور و گشت‌زنی برای ساماندهی و پاک‌سازی محلات و اجرای پیشگیری وضعی، امکانات تحصیلی برابر و بازدارندگی عام از طریق مجازات است. در پیشگیری ثانویه، مهم‌ترین اقدام‌ها شامل مداخله‌های زودهنگام، راه‌اندازی گشت‌های شهروندی با همکاری پلیس، برخورد با انحرافات اجتماعی، تمرکز بر نقاط جرم‌خیز، شرکت در برنامه‌های پلیس مسئله‌محور، پروژه پاک‌سازی محلات، ارائه خدمات اجتماعی به کودکان در معرض خطر و پرخطر می‌باشد. در پیشگیری سومین نیز مهم‌ترین اقدام‌ها شامل تعقیب و بازداشت، مدیریت کودکان مجرم پرکار، امور پلیس در نقاط جرم‌خیز، ناتوان‌سازی، مداخلات اجتماعی در جامعه‌پذیر نمودن کودکان بزه‌کار، تولید برنامه‌هایی با مضمون تغییر نگاه به کودکان بزه‌کار می‌باشد.

ششم، پلیس در پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان 4 راهبرد (دو راهبرد درون‌سازمانی و دو راهبرد برون‌سازمانی) را می‌تواند در دستورکار قرار دهد. در راهبردهای فرایندمحوری مهم‌ترین اقدام‌ها شامل به‌روز نمودن فن‌آوری، تغییر فرهنگ سازمانی، چابک نمودن سازمان، بهره‌گیری از پلیس متخصص کودکان و پلیس زن در تشکیلات پلیس و افزایش مهارت‌های ارتباطی، فنی و ادراکی کارکنان پلیس در مواجهه با کودکان بزه‌کار و بزه‌دیده است. در راهبردهای وضعی، پلیس می‌تواند با کنترل تسهیل‌کننده‌های جرم، تقویت نظارت رسمی، مقابله با خرده‌فرهنگ‌های متعارض در فضای حقیقی و فضای مجازی، اجرای قوانین پیشگیرانه محدودیت رفت و آمد برای

کودکان زیر 15 سال در ساعات شب، پاک‌سازی محلات، اختلال در بازار اموال مسروقه، بازداشت و توقیف و کشف جرم در این حوزه تأثیرگذار باشد. در راهبردهای جامعه‌محور، مهم‌ترین اقدام‌ها شامل راه‌اندازی پلیس مدرسه‌محور، بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ها، اجرای طرح‌های مراقبت محله با کمک بسیج، راه‌اندازی گشت‌های شهروندی، معرفی اطفال بزه‌دیده و شاهد جرم به نهادهای اجتماعی است و در راهبرد پیشگیری مشارکتی و چندنهادی، مهم‌ترین اقدام‌ها شامل راه‌اندازی نظام رصد پیشگیری از جرم با محوریت ناجا، هماهنگی با مددکاران اجتماعی، توسعه و تشکیل کانون‌ها و نهادهای مدنی، تقویت نمادها و ارزش‌های ملی با همکاری نهادهای آموزشی، همکاری در اصلاح، درمان و توان‌بخشی بزه‌کاران، بهره‌گیری از ظرفیت بسیج نوجوانان، راهیان نور و ... است.

هفتم، در صورت اجرای صحیح الگوی بالا، می‌توان انتظار داشت که در دو بُعد درون و برون‌سازمانی نتایج مثبت حاصل شود. در درون سازمان، موجب تقویت مراکز مشاوره پلیس برای ارائه خدمت به کودکان بزه‌کار و بزه‌دیده، پویایی و بالا رفتن بهره‌وری سازمان در پیشگیری از جرم، جلوگیری از هدر رفت منابع و موازی‌کاری، کسب حمایت و پشتیبانی سازمان‌های دولتی و خصوصی در اجرای طرح‌های پیشگیرانه، تربیت نیروهای متخصص و ... خواهد شد و در برون‌سازمان، شاهد جامعه‌پذیری کودکان بزه‌دیده و بزه‌کار، افزایش مهارت زندگی، تقویت پیوندشان با مدرسه و پلیس، مقاوم شدن در برابر جرم، تغییر نگرش عمومی و ایجاد انسجام اجتماعی و افزایش تعامل نهادهای مسئول در پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان خواهیم بود.

بنابراین، تحقیق حاضر با پژوهش کراساکا و همکاران (2017) که بیان داشته‌اند فرایند دادرسی در مجرم شدن نوجوانان اثرگذار است، همسو است و با پژوهش وینجز و همکاران (2017) که شناسایی نوجوانان پرخطر را عاملی برای جلوگیری از ارتکاب جرائم خشونت‌بار و انجام اقدام‌های پیشگیرانه مؤثرتر می‌داند، هماهنگی دارد و یافته‌های پژوهش کورمان و همکاران (2017) را که مشاغل کاری مادران بر بزه‌کاری نوجوانان را مؤثر می‌داند، تأیید می‌کند و با پژوهش بارتون و همکاران (2016) و غلامی و همکاران (1397) که اعلام می‌کنند پلیس با استفاده از فنون و توانمندی‌های خود و تعامل و همکاری با سازمان‌ها، نهادها، مدارس، خانواده‌ها و کودکان و نوجوانان می‌تواند به‌طور مؤثرتری در کاهش جرم در سطح محلی جرم و افزایش اعتماد عمومی اقدام کند، همسو است.



## پیشنهادهای

با توجه به نتایج تحقیق، انجام اقدام‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

- توانایی‌ها و ظرفیت‌های علمی و تخصصی پلیس (دانشکده‌ها و پلیس‌های تخصصی) برای تربیت نیروهای متخصص در پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان و افزایش مهارت ارتباطی، ادراکی و فنی کارکنان سوق داده شود.
- نسبت به تعیین متولی و سیاست‌گذار حوزه پیشگیری در پلیس اقدام شود تا ضمن شناسایی نیازهای درونی سازمان برای پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان و تعیین وظایف و مسئولیت‌ها در پلیس، از موازی‌کاری و هدر رفت هزینه‌ها در این خصوص جلوگیری شود.
- با واکاوی اطلاعات به‌دست آمده از اطفال و نوجوانان دستگیر شده، عوامل مؤثر بر بزه‌کاری آنان شناسایی و به متولیان پیشگیری از جرم اعلام شود.
- با توجه به اصل هزینه و فایده و نظر به بازنشستگی جنایی دیررس کودکان و پتانسیل جنایی نهفته آنان، هر چه سریع‌تر و به‌صورت عملی نسبت به راه‌اندازی پلیس اطفال و نوجوانان در کلانتری‌ها اقدام گردد.
- استفاده از ظرفیت‌های دانشگاهی و جامعه‌شناسان بیرون از سازمان پلیس و همکاری با آن‌ها در جهت تقویت بنیه علمی و عملی پیشگیری از جرم با در اختیار قرار دادن آمار جرائم کودکان در دستور کار قرار گیرد.
- با توجه به آمادگی فطری کودکان به اصلاح، معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا با همکاری محاکم قضایی، فنون عدالت ترمیمی و شرم‌ساری از ارتکاب جرم را برای جلوگیری از برچسب‌زنی و شکل‌گیری بزه‌کاران ثانویه در پلیس و نهادهای قضایی نهادیه کنند.
- با توجه به این‌که اطفال و نوجوانان الگوپذیری بالایی را در صورت قرارگیری در کنار مجرمان حرفه‌ای دارند، پلیس نسبت به پیش‌بینی مکان‌هایی مناسب و مختص کودکان بزه‌کار دستگیر شده (در فرایند دادرسی و تا تعیین تکلیف نهایی) اقدام کند.

- معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا یافته‌های به‌دست‌آمده از اقدامات پلیس در خصوص کودکان بزه‌کار و بزه‌دیده را برای اصلاح قوانین مرتبط با اصلاح کودکان بزه‌کار، ناتوان‌سازی، درمان و آموزش، ضعف تشکیلات دادرسی و ... با مبادی قانون‌گذار به اشتراک بگذارد.
- معاونت اجتماعی ناجا با همکاری وزارت آموزش و پرورش نسبت به شناسایی خانواده‌های آشفته برای ایجاد اطلاعات جامع در خصوص کودکان پرخطر اقدام کند تا با همکاری نهادهای بهداشت و اجتماعی توسعه خدمات به افراد آسیب‌پذیر را در دستور کار قرار دهند.
- پلیس با همکاری شهرداری‌ها و نهادهای اجتماعی، کودکان خیابانی و کار را که مستعد بزه‌کاری و بزه‌دیدگی هستند ساماندهی کند تا از آن طریق برنامه‌های حمایتی شامل آموزش، بهداشت، بازتوانی والدین و... در دستور کار قرار گیرد.
- پلیس با همکاری وزارت آموزش و پرورش راهبرد آموزش را با تشکیل پلیس مدرسه‌محور برای تقویت پایداری در برابر جرم، موادمخدر و... در دانش‌آموزان در دستور کار قرار دهد.
- استفاده از ظرفیت‌های علمی پلیس و تعامل با نهادهای رسمی و تأثیرگذار محلی برای افزایش مشارکت نهادها در برنامه‌های پیشگیری از جرم در دستور کار قرار گیرد.
- تدوین طرح جامع پلیس و پیشگیری از جرم و استفاده از ظرفیت‌هایی مانند عضویت در شورای امنیت کشور برای تصویب آن در برنامه ششم دولت به منظور تخصیص منابع کافی و اجرای آن در تمام سطوح سازمانی حتی در محلات در دستور کار قرار گیرد.
- شناسایی ناکارآمدی نهادهای تأثیرگذار بر پیشگیری از جرم و استفاده از ظرفیت‌های قانونی (شورای امنیت کشور، مجلس، شورای تأمین و ...) برای مسئول‌سازی سازمان‌های دولتی و غیردولتی مد نظر قرار گیرد.
- دادن مشوق‌هایی توسط معاونت اجتماعی ناجا برای تولید برنامه‌ها و بازی‌های پیشگیرانه از جرم برای اطفال و نوجوانان مدنظر قرار گیرد.



- ایجاد مشوق‌های لازم برای سازمان‌های خصوصی از طریق مراجع قانون‌گذار یا مرتبط با امنیت (شورای امنیت کشور، مجلس، شورای تأمین و ...) برای مشارکت در طرح‌های پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان در دستور کار قرار گیرد.
- بازنگری ساختار سازمانی پلیس پیشگیری و تدوین سازمانی مبتنی بر فعالیت‌های پیشگیرانه از جرم در دستور کار قرار گیرد.
- آموزش کارکنان با هدف کیفی‌سازی و تقویت حرفه‌گرایی پلیس متناسب با رویکردهای نوین پیشگیری از جرم به‌عنوان اولویت مدنظر قرار گیرد.
- تدوین و اجرای برنامه‌های پلیس محله‌محور با تأکید بر تمرکز و افزایش اقدامات پیش‌کنشی پلیس از طریق اشرافیت اطلاعاتی و پیش‌بینی پدیده‌های جرم‌زا در محلات در دستور کار قرار گیرد.

## منابع

- اسمیت، پائول (1393). «درمان‌شناختی رفتاری؛ دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم». (ترجمه مهدی مقیمی). مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، جلد اول، تهران: نشر میزان.
- اسمیت، کارتر (1393). «برنامه‌های پیشگیری از جرم نوجوانان در آمریکا». دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، (ترجمه محمد بارانی)، مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، جلد دوم، تهران: نشر میزان.
- افراسیابی، علی (1390). «از طبقه‌بندی بزه‌کاران تا طبقه‌بندی فنونی پیشگیری وضعی از جرم». فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، سال ششم، شماره بیستم. صص 99-128.
- حجتی، سیدمهدی (1380). «تحول واکنش اجتماعی در قبال بزه‌کاری اطفال». مجله حقوقی و قضائی دادگستری، شماره سی‌وپنج، صص. 40-9.
- سالنامه آماری 1397 مرکز فرماندهی و کنترل ناجا (1398).
- سلیمی، اکبر؛ آهی، قاسم؛ سیف، عبدالرضا (1395). «پیشگیری از بزه‌کاری اطفال و نوجوانان با افزایش جمعیت خانواده». فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی استان همدان، دوره سوم، شماره 2، صص 56-25.
- سلیمی، علی (1395). «الگوی مدیریت اجتماعی نیروی انتظامی از بزه‌کاری نوجوانان». (رساله دکتری)، دانشگاه علوم انتظامی امین، دانشکده دافوس.
- غلامی، حسین؛ موذن‌زادگان، حسنعلی؛ جمشیدی، مسلم (1397). «اقدامات پلیس در پیشگیری از وقوع جرائم کودکان و نوجوانان». فصلنامه انتظام اجتماعی، سال دهم، شماره سوم، صص 110-83.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (1375). «سیاست جنایی سازمان ملل متحد». مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره بیست‌وهفتم.
- یاراحمدی، حسین؛ بیرانوند، رضا؛ بارانی، محمد؛ مقیمی، مهدی (1396). «مطالعه تطبیقی سیاست‌جنایی پلیس در قبال اطفال و نوجوانان در مراحل قبل و پس از کشف جرم». پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، بهار و تابستان 1396، دوره پنجم، شماره اول، صص 105-87.
- Barton, Harry; Nestor, Valero-Silva, (2016). "Policing in partnership: a case study in crime prevention", International Journal of Public Sector Management, Vol. 26 Issue: 7, pp.543-553.
- Corman, Hope; Dave-Dhaval M; Kalil, Ariel; Reichman, Nancy E. (2017). Effects of Maternal Work Incentives on Teen Drug Arrests, in Kristian Bolin , Björn Lindgren , Michael Grossman ,Dorte Gyrd-Hansen , Tor



- Iversen , Robert Kaestner , Jody L. Sindelar (ed.) Human Capital and Health Behavior (Advances in Health Economics and Health Services Research, Volume 25) Emerald Publishing Limited, pp.111 – 142
- Creswell, J. W. (2005). Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research (2nd edition).
  - Creswell, J.W. (2012). Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research. Boston: Pearson Publication. (4nd edition).
  - Ennett, N, Tobler; C, Ringwalt; Flewelling, L. (Sep1994). How effective is drug abuse resistance education? A meta-analysis of Project DARE outcome evaluations, 84(9): 1394–1401, p96. Retrieved from:
  - <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC1615488/>
  - Friedman, W; Lurigio, A, J; Greenleaf, R; Albertson, S. (2004). Encounters between police officers and youths: The social costs of disrespect. Journal of Crime and Justice.27(2), 1–25. Retrieved from:<http://dx.doi.org/10.1080/0735648X.2004.9721193>.
  - Johnson, B; Christensen, L. (2008). Educational research: Quantitative, qualitative and mixed approaches. 3rd Edition. Los Angeles: Sage Publication.
  - Johnson, I, M. (1999). School violence: The effectiveness of a school resource officer program in a southern city. Journal of Criminal Justice, 27(2), 173-192. Retrieved from: [https://doi.org/10.1016/S0047-2352\(98\)00049-X](https://doi.org/10.1016/S0047-2352(98)00049-X)
  - Kroska, Amy; Danie Lee, James; T-Carr, Nicole. (2017). Juvenile Delinquency, Criminal Sentiments, and Self-Sentiments: Exploring a Modified Labeling Theory Proposition, in Shane R. Thye , Edward J. Lawler (ed.) Advances in Group Processes (Advances in Group Processes, Volume 34) Emerald Publishing Limited. pp.21 – 47
  - Loeber, R; Farrington, D; Petechuk, D. (2005). Child Delinquency:Early Intervention and Prevention.Bulletin Series Child Delinquency. U.S.Department of Justice, Office of Justice Programs, Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention.
  - Sherman, L; Gottfredson, D; MacKenzie, D; Eck, J-Reuter P; Bushway, S. (1997). Preventing Crime: What Works, What Doesn't, What's Promising (Washington, DC: US Department of Justice. Retrieved from: <https://eric.ed.gov/?id=ED423321>.
  - Strauss, Anselm L; Corbin, Juliet. (1990). Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques, Sage.
  - Trojanowicz, Robert C; Bucqueroux, Bonnie. (1990). Community Policing: A Contemporary Perspective. Cincinnati, OH: Anderson.
  - Wientjes, Jacqueline; Delsing, Marc; Cillessen, Antonius; Janssens, Jan; Scholte, Ron. (2017) "Identifying potential offenders on the basis of police records:



- development and validation of the ProKid risk assessment tool", Journal of Criminological Research, Policy and Practice, Vol. 3 Issue: 4, pp.249-260
- Wiersema, Brian; Loftin, Colin; McDowall, David. (2000). A Comparison of Supplementary Homicide Reports and National Vital Statistics System Homicide Estimates for U.S. Counties. *Homicide Studies*. 4.4, pp 317-340. Retrieved from: <https://doi.org/10.1177/1088767900004004002>.

*Archive of SID*